تحلیل تطبیقی عشق و رنج و کارکرد خطاب در شعرهای منتخب شهریار و هلال حافظ

Dhaka University Journal of Persian (Academic-Research) Year: 8, Issue: 8, June 2023
Dhaka, Bangladesh. ISSN : 2791-0679
مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا (علمی - پژوهشی)، سال: ۸، شماره: ۸، ژوئن ۲۰۲۳م

Comparative Analysis of Love, Suffering, and Poetic Address in Shahriar and Helal Hafiz

Badal Miah[1]

ARTICLE INFO

Article type
Academic-Research

Received
10 May 2025

Revised
29 September 2026

Accepted
19 October 2026

Published online
26 October 2026

Printing date of Publication
30 October 2026

Keywords:
Shahriar, Helal Hafiz, Comparative literature, Love and suffering, Poetic address.

ABSTRACT

This article examines the relationship between love, suffering, and address in two ghazals by Shahriar (Iranian Poet) and one poem by Helal Hafiz (Bangladeshi Poet). The research question is how emotional similarities between the works of these poets are expressed through different linguistic structures and forms of address. Using a qualitative method and close reading, the study compares Shahriar's ghazals "Hala Chara" and "Setar-e Man" with Hafiz's poem "Sarmāqāle Mamnu" (Forbidden Editorial). The unit of analysis is the verse or stanza, and the criteria of comparison include the type of addressee, temporal orientation, representation of suffering, and the function of repetition. The findings show that in Shahriar's selected ghazals, address is mainly directed toward the beloved in a personal relationship or toward the musical instrument as a symbolic companion. In contrast, Hafiz's poem expands the notion of address to the youth, calling for collective action and social engagement. In both cases, the situation carries emotional significance. However, in "Hala Chara" it reflects the delayed arrival of union, while in "Forbidden Editorial" it emphasizes the urgency of immediate action. The study concludes that although love and suffering are shared themes, they do not imply identical poetic functions or direct influence between the poets. Instead, each writer adapts these emotions to distinct social and linguistic contexts.

1. Lecturer, Department of Persian Language and Literature, University of Dhaka, Bangladesh.
Email: badalmiah@du.ac.bd

How to Cite: Miah, Badal (2026). *Comparative Analysis of Love, Suffering, and Poetic Address in Shahriar and Helal Hafiz*, Dhaka University Journal of Persian, 8(8), 41-48. **DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.10**

تحلیل تطبیقی عشق و رنج و کارکرد خطاب در شعرهای منتخب شهریار و هلال حافظ

بادل میاه[۱]

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری:
۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش:
۲۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ نشر آنلاین :
۴ آبان ۱۴۰۵

تاریخ انتشار:
۸ آبان ۱۴۰۵

واژه‌های کلیدی:
شهریار، هلال حافظ، ادبیات تطبیقی، عشق و رنج، خطاب شعری.

چکیده

این مقاله به بررسی نسبت عشق، رنج و خطاب در دو غـزل شـهریار و یک شعر هلال حافظ می‌پردازد .مسأله پژوهش آن است کـه اشـتراک عاطفی میان شعرهای دو شاعر، چگونـه در سـازمان زبـانی و موقعیـت مخاطب صورت‌های متفاوتی می‌یابد .پژوهش با روش کیفی و خـوانش نزدیک، غزل‌هـای «حـالا چـرا» و «سـه‌تـار مـن» شـهریار را بـا شـعر «سرمقاله ممنوع» هلال حافظ مقایسه می‌کند .واحد تحلیل، بیـت یـا بند و معیارهـای مقایسـه شـامل نـوع مخاطـب، جهـت‌گیـری زمـانی، بازنمایی رنج و کارکرد تکرار است .بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهـد کـه در غزل‌های منتخب شهریار، خطاب بیشتر در مناسبات فردی عاشق و معشوق یا در رابطه گوینده با ساز شـکل مـی‌گیـرد؛ در شـعر منتخـب هلال حافظ، خطاب به جوانـان و دعـوت بـه کـنش جمعـی گسـترش می‌یابد .در هر دو سوی مقایسه، زمان حال ارزش عاطفی دارد، امـا در «حالا چرا» نشان‌دهنده دیررسـیدن وصـال و در «سـرمقاله ممنـوع» فرصت اقدام است .نتیجه آن است کـه اشـتراک در عشـق و رنـج، بـه معنای یکسانی کارکرد شعر یا اثبات تأثیرپذیری نیسـت .یافتـه‌هـا بـه پیکره محدود این پژوهش تعلق دارند و به کـل آثـار دو شـاعر تعمـیم داده نمی‌شوند.

۱. مربی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش. ایمیل: badalmiah@du.ac.bd

شیوهٔ ارجاع دادن: میاه، بادل (۲۰۲۶). *تحلیل تطبیقی عشق و رنج و کارکرد خطاب در شعرهای منتخب شهریار و هلال حافظ*، مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا، سال: ۸، شماره: ۸، ص ۴۱-۴۸. **DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.10**

مقدمه و بیان مسأله

مقایسه شعر فارسی و بنگالی هنگامی به شناخت ادبی می‌انجامد که از تشابه کلی در موضوع فراتر رود و چگونگی ساخته‌شدن معنا را در متن توضیح دهد .حضور عشق، جدایی و اندوه در آثار دو شاعر به‌تنهایی برای اثبات همانندی جهان‌بینی آنان کافی نیست .پرسش اصلی این است که این عواطف به چه کسی خطاب می‌شوند، با چه تصویرهایی بیان می‌گردند و چه نسبتی با زمان و کنش برقرار می‌کنند .مقاله حاضر بر همین تمایز میان «موضوع مشترک» و «کارکرد متفاوت موضوع» استوار است.

در متن اولیه این پژوهش، اطلاعات زندگی‌نامه‌ای، روایت‌های مربوط به معشوق و شواهد شعری کنار یکدیگر قرار گرفته بودند، بی‌آنکه رابطه میان آن‌ها بر اساس معیار ثابتی سنجیده شود . همچنین ترجمه برخی قطعات هلال حافظ فاقد عنوان دقیق شعر، متن بنگالی و نشانی صفحه بود . در بازنویسی حاضر، مسأله به مجموعه‌ای محدود از متن‌های قابل بازیابی تقلیل یافته است تا استدلال بر شواهد روشن تکیه کند .زندگی شخصی شاعر، بدون سند مستقل، مبنای توضیح سخن گوینده شعر قرار نمی‌گیرد.

هدف مقاله، بررسی این پرسش است که عشق و رنج در شعرهای منتخب شهریار و هلال حافظ چگونه از طریق خطاب، تکرار و زمان‌مندی صورت‌بندی می‌شوند .دو پرسش فرعی نیز مطرح است : مخاطب فردی یا جمعی چه تأثیری بر معنای عاطفه دارد؟ و بازگشت یک عبارت در غزل و در شعر اعتراضی چه کارکردی پیدا می‌کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها امکان مقایسه تفاوت‌های ساختاری را در کنار اشتراک‌های مضمونی فراهم می‌آورد.

پیشینه و جایگاه پژوهش

منابع مرتبط با موضوع باید در دو گروه از یکدیگر جدا شوند :متن شعر و پژوهش‌های انتقادی درباره آن .نسخه‌های برخط غزل‌های شهریار و شعر هلال حافظ، منابع اصلی این مطالعه‌اند . گفت‌وگوی هلال حافظ با جبار النعیم، منتشرشده در رایزینگ‌بی‌دی، تنها برای توضیح زمینه سرایش و دریافت عمومی «سرمقاله ممنوع» به کار می‌رود و جایگزین تحلیل شعر نیست (النعیم، ۲۰۱۴) .در این مصاحبه، شاعر سرایش اثر را با خیزش ۱۹۶۹ مرتبط می‌کند؛ بنابراین نباید سال انتشار مجموعه در ۱۹۸۶ را با زمان سرایش شعر یکسان گرفت.

فهرست منابع نسخه اولیه شامل چندین عنوان انتقادی با اطلاعات نشر ناقص یا نامطمئن بود . چون وجود و مشخصات این آثار در این ویرایش تأیید نشده است، از آن‌ها برای اثبات پیشینه یا

پشتیبانی نتیجه استفاده نمی‌شود .همچنین بر پایه جست‌وجوی محدود این ویرایش نمی‌توان ادعا کرد که پژوهش تطبیقی درباره این دو شاعر پیش‌تر انجام نشده است .ارزش پیشنهادی مقاله در تعیین معیارهای مشترک و تحلیل متنی نمونه‌های مشخص است .تکمیل مرور انتقادی پژوهش‌های فارسی و بنگالی، پیش از ارسال مقاله به مجله ضروری است.

روش پژوهش و چارچوب تحلیل

نوع مطالعه و حدود پیکره

پژوهش کیفی و تطبیقی است و از خوانش نزدیک برای بررسی متن‌ها استفاده می‌کند .پیکره شامل دو غزل «حالا چرا» و «سه‌تار من» از شهریار و شعر «سرمقاله ممنوع» از هلال حافظ است . این نمونه‌ها از میان شعرهای مطرح‌شده در نسخه اولیه و بر اساس امکان بازیابی متن انتخاب شده‌اند .انتخاب، هدفمند و غیرتصادفی است؛ بنابراین پیکره نماینده آماری آثار دو شاعر نیست . تعداد نامساوی شعرها نیز اجازه سنجش فراوانی مضمون یا نتیجه‌گیری درباره غلبه یک ویژگی در کل آثار را نمی‌دهد.

متن غزل‌های شهریار با مدخل‌های گنجور مقابله شده و شعر هلال حافظ با متن بنگالی در پایگاه بنگلا کوبیتا بررسی شده است .این منابع دسترسی به متن را فراهم می‌کنند، اما جانشین نسخه‌شناسی چاپ‌های معتبر نیستند .به همین دلیل، شماره صفحه‌های نسخه اولیه که چاپ مبنای آن‌ها مشخص نبود، به این ویرایش منتقل نشده است .ارجاع‌ها با نام شعر و شماره بیت یا محل بند ارائه می‌شوند .در تحلیل شعر هلال حافظ، معنا و موقعیت خطاب بررسی می‌شود؛ درباره وزن، قافیه یا کیفیت آوایی متن بنگالی بر پایه ترجمه فارسی داوری نمی‌شود.

معیارهای مشترک مقایسه

چهار معیار برای هر سه متن به کار می‌رود .نخست، موقعیت خطاب است؛ یعنی گوینده چه کسی را مخاطب قرار می‌دهد و چه پاسخی از او انتظار دارد .دوم، جهت‌گیری زمانی است؛ یعنی گذشته، اکنون و آینده چگونه در عاطفه نقش می‌گیرند .سوم، صورت‌بندی رنج است؛ یعنی رنج به شکل فقدان شخصی، تجربه تنهایی یا تنش اجتماعی پدیدار می‌شود .چهارم، کارکرد تکرار است؛ یعنی بازگشت واژه یا عبارت چگونه پیوستگی متن و جهت‌گیری خطاب را تقویت می‌کند.

تحلیل در سه گام صورت می‌گیرد :ابتدا نشانه زبانی یا تصویری در متن مشخص می‌شود؛ سپس کارکرد آن در همان شعر توضیح داده می‌شود؛ در پایان، حاصل با نمونه دیگر مقایسه می‌گردد .در این چارچوب، گوینده شعر با شخص تاریخی شاعر یکسان فرض نمی‌شود .همچنین

همانندی مضامین، شاهد انتقال ادبی یا تأثیر مستقیم شهریار بر هلال حافظ محسوب نمی‌گردد . اثبات چنین رابطه‌ای به مدارکی درباره ترجمه، مطالعه یا ارتباط تاریخی نیاز دارد که در پیکره حاضر موجود نیست.

تحلیل شعرهای منتخب

عشق و مسألهٔ زمان در حالا چرا

در آغاز غزل «حالا چرا»، گوینده به معشوقی که بازگشته است خطاب می‌کند :«آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا /بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا» (شهریار، بی‌تا الف، بیت ۱) .این خطاب دو حرکت عاطفی دارد :استقبال و سرزنش .عبارت نخست، پیوند عاطفی را حفظ می‌کند؛ ادامه بیت، زمان بازگشت را به پرسش می‌کشد .بنابراین حضور معشوق به‌خودی‌خود رنج را پایان نمی‌دهد و ارزش وصال به زمان وقوع آن وابسته می‌شود.

واژه «حالا» نقطه مرکزی این تعارض است .گوینده از اکنونی سخن می‌گوید که در آن، نیروی گذشته از دست رفته است .بازگشت، ظاهراً رخ داده، اما امکان جبران را با خود نیاورده است . پرسش پایانی نیز پاسخی دریافت نمی‌کند و با بازگشت در ساختار غزل، اعتراض را استمرار می‌بخشد .این سازوکار نشان می‌دهد که اندوه صرفاً موضوع شعر نیست؛ در شکل خطاب و در تکرار پرسش نیز حضور دارد.

تلمیح به نوشدارو و مرگ سهراب در بیت دوم، تجربه عاطفی را به حافظه ادبی پیوند می‌دهد . کارکرد تلمیح، توضیح بی‌ثمربودن یاری پس از پایان فرصت است؛ در نتیجه، دیررسیدن معشوق از سطح یک شکایت روزمره به تصویری ادبی از جبران‌ناپذیری تبدیل می‌شود .برای فهم این رابطه نیازی نیست روایت بیمارستان یا هویت تاریخی معشوق قطعی فرض شود .شواهد درون متن، خود برای توضیح پیوند تأخیر و رنج کافی‌اند (شهریار، بی‌تا الف، بیت ۲).

تنهایی و همراهی ساز در سه‌تار من

در غزل «سه‌تار من»، تصویر آغازین چنین است :«نالد به حال زار من امشب سه‌تار من /این مایه تسلی شب‌های تار من» (شهریار، بی‌تا ب، بیت ۱) .فعل «نالد» به ساز ویژگی انسانی می‌دهد و آن را در رنج گوینده شریک می‌سازد .ساز هم صدای اندوه را آشکار می‌کند و هم وسیله تسلی است .این دو کارکرد متناقض نیستند؛ بیان عاطفه، خود بخشی از امکان تحمل آن می‌شود.

تکرار «من» در پایان مصراع‌ها، تجربه را در قلمرو شخصی نگه می‌دارد .رابطه گوینده با ساز، بر محور همراهی در شب و تنهایی شکل می‌گیرد .شب در این بیت هم زمان تجربه و هم زمینه تصویر

تاریکی است .با این حال، از تصویر شب نمی‌توان به تشخیص روان‌شناختی شاعر رسید .آنچه متن نشان می‌دهد، سازمان‌یافتن اندوه در رابطه‌ای شنیداری و تخیلی است.

در مقایسه با «حالا چرا»، پاسخ مخاطب تغییر می‌کند .معشوق موضوع پرسشی بی‌پاسخ است؛ اما ساز با صدا پاسخ می‌دهد .به این ترتیب، هر دو شعر فقدان و نیاز به همراهی را مطرح می‌کنند، ولی در یکی امکان جبران محل تردید و در دیگری امکان تسلی حاضر است .این تفاوت در درون آثار یک شاعر نیز نشان می‌دهد که نمی‌توان تمام شعرهای او را به یک روایت ثابت از ناکامی فروکاست.

خطاب جمعی و فوریت زمان در سرمقاله ممنوع

در «سرمقاله ممنوع»، مخاطب از معشوق فردی به جوانانی تغییر می‌کند که در برابر امکان کنش قرار دارند. دو سطر آغازین، در برگردان معنایی فارسیِ نسخه اولیه، جوانی را بهترین هنگام حضور در راهپیمایی و جنگ معرفی می‌کنند (حافظ، بی‌تا، دو سطر آغازین). بازگشت این مضمون در پایان شعر، فراخوان آغازین را تثبیت می‌کند .در اینجا، زمان حال فرصتی برای اقدام است؛ این کارکرد با اکنونِ دیرهنگام در «حالا چرا» تفاوت دارد.

بافت تاریخی این فراخوان را می‌توان با اظهارات خود شاعر درباره خیزش ۱۹۶۹ توضیح داد (النعیم، ۲۰۱۴). با این حال، زمینه تاریخی به‌تنهایی تمام معنای شعر را تعیین نمی‌کند .در خوانش این مقاله، عشق در بخش میانی به تنش میان دلبستگی و کنش خشونت‌آمیز وارد می‌شود . این پیوند نیازمند بررسی انتقادی است و نباید به توصیه عام اخلاقی یا تأیید بی‌قید خشونت تبدیل شود .همچنین از متن نمی‌توان رتبه‌بندی مطلق «وطن بالاتر از زن» را نتیجه گرفت؛ چنین حکمی در نسخه اولیه فراتر از شواهد طرح شده بود.

در این نمونه، رنج از طریق موقعیت تعارض و ضرورت تصمیم جمعی خوانده می‌شود .برخلاف غزل‌های منتخب شهریار، مخاطب برای بازگشت یا همدردی فراخوانده نمی‌شود، بلکه از او اقدام خواسته می‌شود .بنابراین پیوند عشق با اجتماع در این شعر، هم‌ارزی ساده با عشق غنایی نیست؛ تغییر مخاطب، جهت عاطفه را نیز تغییر داده است.

بحث تطبیقی

اشتراک عاطفی و تفاوت در موقعیت مخاطب

یافته اصلی مقایسه آن است که عاطفه در هر سه متن به واسطه رابطه با دیگری سازمان می‌یابد .این دیگری در »حالا چرا «معشوق، در »سه‌تار من «ساز و در »سرمقاله ممنوع «جوانانِ مخاطب فراخوان است .

هلال حافظ در مجموعهٔ شعرش اشاره کرده است اکنون بهترین زمان برای جوانان برای رفتن به جنگ است (اِخون زوبان جَر جدّ زاوَر تَر شِیشتو شوموی.) بنابراین محور مشترک، ضرورت پاسخ و

رابطه است، اما پاسخ مورد انتظار یکسان نیست .غزل نخست بازگشت به‌موقع را طلب می‌کند؛ غـزل دوم همراهی شنیداری را می‌یابد؛ شعر سوم مشارکت جمعی را مطالبه می‌کند.

این تفاوت مانع آن است که شباهت‌های زندگی شخصی دو شاعر مسـتقیماً بـه همسـانی شـعر آنان تبدیل شود .حتی اگر هر دو شاعر تجربه جدایی یا تنهایی داشته باشند، نتیجه ادبی آن تنهـا از طریق تحلیل متن قابل تشخیص است .در پیکره حاضـر، آنچـه مقایسـه را موجـه مـی‌کنـد، حضـور خطاب و فشار زمان است، نه همانندی فرضی سرگذشت عاشقانه.

زمان حال و کارکرد تکرار

«حالا» در غزل شهریار و «اکنون» در برگردان شعر هلال حافظ، هر دو زمان را به مسأله ارزش تبدیل می‌کنند .در نمونه نخست، ارزش فرصت پس از گذشت زمان کـاهش یافتـه اسـت؛ در نمونـه دوم، فرصت هنوز برقرار است و باید از آن استفاده شود .از ایـن رو، اشـتراک لفظـی یـا مفهـومی در زمان حال، دو جهت متفاوت دارد :حسرت در برابر فوریت کنش .این نتیجه به مـتن‌هـای انتخـاب شده مربوط است و به معنای فقدان امید در شهریار یا فقدان حسرت در هلال حافظ نیست.

تکرار نیز کارکردی وابسته به موقعیت خطاب دارد .بازگشت پرسش در «حالا چرا» نارضایتی را ادامه می‌دهد؛ تکرار ضمیر ملکی در «سه‌تار من» قلمرو شخصی را تثبیت می‌کند؛ بازگشت فراخـوان در شعر هلال حافظ جهت خطاب جمعی را حفظ می‌نماید .بنابراین، تکرار را نمی‌توان تنها آرایـه‌ای صوتی دانست؛ در این نمونه‌ها، رابطه گوینده و مخاطب را سازمان می‌دهد .مقایسه حاضر به کـارکرد معنایی تکرار محدود است و درباره همسانی موسیقی دو زبان حکم نمی‌دهد.

محدودیت تفسیر و تعمیم

پیکرهٔ کوچک و نامتوازن، مهم‌ترین محدودیت پژوهش است .وجـود دو غـزل از شـهریار و یـک شعر سیاسی از هلال حافظ اجازه نمی‌دهد که شهریار صرفاً شاعر عشق فردی و هـلال حـافظ صـرفاً شاعر اعتراض معرفی شود .برای سنجش گسترده‌تر این نتیجه، لازم است شـعرهای عاشـقانه هـلال حافظ و نمونه‌های اجتماعی شهریار نیز با همین معیارها بررسی شوند .همچنین تحلیل سبکی شـعر بنگالی، به متن اصلی و بررسی تخصصی وزن و واژگان نیاز دارد.

محدودیت دیگر، استفاده از بازنشرهای دیجیتال است .تطبیق با چاپ معتبر و ثبت مشخصـات نسخه مبنا، دقت نقل‌ها و قابلیت پیگیری پژوهش را افزایش مـی‌دهـد .برخـی ترجمـه‌هـای فارسـی نسخه اولیه، به دلیل نامشخص‌بودن محل نقل یا عنوان شعر، از پیکره حذف شـدند .ایـن حـذف بـه معنای رد انتساب آن قطعات نیست؛ تنها نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی نمی‌توان آن‌ها را شـاهد قطعی استدلال قرار داد.

نتیجه‌گیری

مقایسه بر اساس معیارهای ثابت نشان داد که اشتراک عشق و رنج، به‌تنهایی توضیح‌دهندهٔ شباهت شعر دو شاعر نیست .در شعرهای منتخب شهریار، خطاب در قلمرو رابطه فردی و همراهی ساز شکل می‌گیرد؛ در «سرمقاله ممنوع» هلال حافظ، مخاطب جمعی و ضرورت اقدام برجسته می‌شود .اکنون نیز در این متن‌ها معنایی واحد ندارد :در «حالا چرا» بازگشت پس از پایان فرصت را نشان می‌دهد و در شعر هلال حافظ، زمان بهره‌گرفتن از فرصت را مطرح می‌کند.

نتیجهٔ روش‌شناختی مقاله آن است که تحلیل تطبیقی باید از توصیف مشترکات موضوعی به بررسی سازوکار بیان برسد .بررسی مخاطب، زمان و تکرار امکان داد که هم نزدیکی عاطفی و هم تفاوت عملکرد متن‌ها توضیح داده شود .این یافته‌ها درباره نمونه‌های بررسی‌شده معتبرند و برای اثبات تأثیر مستقیم، داوری درباره کل آثار یا سنجش جایگاه دو شاعر در ادبیات ملی کافی نیستند.

الف. منابع بنگلا

ابو سعید، دکتر عبدالله. (۱۹۹۵). *هلال حافظیر کابیتار پروتیک و روپاک*، داکا :یونیورسیتی پرس لیمیتید

اقبال، دکتر جعفر. (۲۰۰۰). *هلال حافظ :کابیتا و جیبان*، داکا :بنگلا اکادمی

حافظ، هلال. (۱۹۸۶). *ز زاله اگون جاله*، داکا :انتشارات دیبّا

..... (۲۰۱۲). *کابیتا اکاتّر*، داکا :انتشارات بیبس.

..... (۲۰۲۳). *بِدَناکه بَالی تومی کِدَنا*، داکا :انتشارات دیبّا

حسین، دکتر سلینا. (۲۰۱۰). *هلال حافظ :کابیتا و سماج*، داکا :پروسچیم پروکاشانی

ب. منابع فارسی

شهریار، محمدحسین. (۱۹۵۱). *افسانه شب*، تهران :انتشارات کتاب سرا

..... (۱۹۵۴). *حیدربابایه سلام*، تهران :انتشارات نگاه

..... (۱۹۷۰). *دیوان شهریار*، تهران :انتشارات جام جم

اسماعیلی، مهدی. (۱۹۸۰). *شهریار و شعر او*، تهران :تهران یونیورسیتی پرس

ج. منابع آنلاین

https://ganjoor.net/shahriar/gozidegh/sh9

https://ganjoor.net/shahriar/gozidegh/sh110

https://www.bangla-kobita.com/helalhafiz/nishiddho-shompadokiyo/

https://www.risingbd.com/english/Time_would_settle_on_who_is_prime_poet_or_not_Helal_Hafiz/18663